

سیری در تفکر چکری

سیر کوتاهی داریم در طرز تفکر صدیق چکری یکی از اعضای رهبری جمعیت اسلامی ربانی. برنامه دیدگاه که شب سه شنبه ۱۳ مارچ از تلویزیون آریانا پخش گردید مصاحبه ای داشت با جناب چکری و یکی از استادان پوهنخی حقوق و علوم سیاسی پوهنتون کابل بنام محترم ودیر (صافی). آقای چکری در این مصاحبه شان هم مانند همیشه (گل گفتند و در سفتند). الحق که استادان ورزیده داشته اند که به جز از چند جمله محدود و تکراری چیزی دیگری به ایشان نیاموخته اند و طوطی وار (آنچه استاد ازل گفت بگو، میگوید). آنچه از گفتار (نغز) شان به حافظه مانده است در این مختصر آورده و با یک سیر کوتاه، چکری میزیم اندر طرز تفکر متحجر آن جناب تا چه قبول افتد و چه در نظر آید.

ایشان فرمودند که اگر موسسه حقوق بشر که بگفته ایشان { یک (ان-جی-او) ی خارجی است } از هفت هزار نفر در مورد رهبران جهادی نظر پرسی نمودند، ما یکصد و پنجاه هزار نفر را دعوت کردیم میگویند در غگو حافظه ندارد. و چه بجا گفته اند. چکری صاحب خود اعتراف میکنند که از یکصد و پنجاه هزار نفر دعوت کرده بودند تا به طرفداری از رهبران شان در غازی استدیوم جمع شوند. باید یاد آور شد که دعوت نمودن اشخاص و افراد مشخص در یک محل مشخص به معنی آنست که لا اقل یک وعده غذا برایشان داده شود. این رسم مهمان نوازی افغانهاست. و در حالیکه تعداد بیشماری از این افراد دعوت شده از ولایات جوزجان و میمنه به دعوت اشتر جنرال دوستم، تعداد دیگری از بدخشان و پغمان به دعوت ربانی و سیاف و به کابل تشریف فرما شده بودند، بر علاوه پول نان، سفر خرچ شان نیز پرداخت شده بود. عکس های جنایتکاران مشهور و معلوم الحال بدست های شان داده شده بود و و اما در جهت دیگر قضیه همه با چشم و سر دیدند که از یکصد و پنجاه هزار نفر دعوت شده گی، صرف حدود ده تا دوازده هزار نفر گردآمده بودند. از جانب دیگر اگر قبول کنیم که حد اقل صد هزار و یا بگفته چکری صاحب همان یکصد و پنجاه هزار نفر جهت حمایت جنگ سالاران گرد آمده باشند، از بیست و پنج ملیون نفوس افغانستان، صرف یک مشت افراد دعوت شده که تعداد شان حتی یک فیصد نفوس کشور هم نمیشود، خود دلالت به مجرم بودن شان نموده و نفرت و تنفر عمیق مردم از جنگ سالاران را نشان میدهد.

در قسمت دیگر از مصاحبه متذکره به جواب سوال محترم صافی، آقای چکری با بی مسؤلیتی تمام گفتند که تمام میخ به سر کوبیدنها، رقص مرده و زنده سوختاندن انسانها (رقص زنده) و گوش و بینی بریدنها و همه و همه تبلیغات دشمنان است و حقیقت ندارد و کسانیکه همچو مسائل را مطرح میکنند، سند بیآورند و ای وای و الله ! (چه دلاور است دزدی که بکف چراغ دارد). تخریب سیستماتیک کابل، کشتار بیش از شصت هزار باشندگان بیگناه کابل، چور و تاراج دارایی های مردم، تجاوز به نوامیس مردم و هزار و یک جنایت دیگر را در حق هموطنان مسلمان ما روا داشتید و امروز سند میخواهید. به یاد بیآورید روزگاری را که احمدشاه مسعود توپ های اوبوس را به کوه تلویزیون جابجا کرده و از آن بالا افشار و کارته سه را زیر رگبار گلوله های توپ گرفته و افشار و کارته سه را که جنگجویان حزب وحدت در آن سنگر گرفته بودند با خاک سیاه برابر کرده و بعد از فتح آن مناطق، جنگ آوران جمعیت اسلامی ربانی و شورای نظار مسعود و اتحاد اسلامی سیاف آنچه باقی بود چور کردند و به زنان و دختران شان نا مردانه تجاوز کردند و چنان در آن مناطق وحشت آفریدند که کافر در حق مسلمان نکند. و شما جناب چکری سند میخواهید؟ وجدان شما واقعا باید مرده باشد. البته اگر چیزی بنام وجدان را بشناسید.

زمانیکه چکری از این جنایات انکار کرد و آنرا تبلیغات دشمنان خواند، آقای (صافی) رو بطرف آنها کرده گفتند که در تمام کابل یک خانه سالم و بدون سوراخ های مرمی یافت نمیشود و از آقای چکری خواستند تا لطف نموده با ایشان یک چکر در شهر کابل زده و حاصل جنایات شانرا مشاهده نمایند و بعد داد از (مصالحه) و (عفو عمومی) بزنند و . . . آقای چکری فرمودند که حق العبد بعد از سپری شدن ده سال از جنایت باطل میشود و مردم افغانستان همه خواهان صلح اند و این فقط چند (ان-جی-او) اند که خواهان جنگ اند و اگر این (مصالحه) صورت نگیرد شما شاهد سوراخ شدن دوباره خانه ها خواهید بود و

چکری صاحب ! دیده درایی تا کدام اندازه ؟ شما با این حرف های مفت و هوایی تان با تمام دیده درایی ذاتی تان به مردم اخطار میدهید که اگر شما جنایتکاران و رهبران رهن و جنگ سالار تا ترا نبخشیده و حاضر به (مصالحه) نشوند باز هم دست به ماشه خواهید برد.

جناب ! این حنای شما دیگر رنگی ندارد و بچه ترسانی های شما جایی را نمی گیرد. شما جماعت ریش و پشم همانگونه که شب هنگام با سرعت تمام از کابل فرار کرده و به هر گوشه و بیشه خزیدید و حتی فرصت نیافتید تا

اعضای کابینه تا نرا از فرار شبانگاهی تان با خبر سازید، شما شیر های کاغذی با یک شمال دیگر به فرسخ ها دور پرتاب خواهید شد و اینبار مطمئن باشید که B52 هم کاری برای تان انجام داده نخواهد توانست. درست است که مردم افغانستان صلح میخواهند، ولی تا عدالت در کشور تامین نشود، صلح هرگز برنخواهد گشت. در کشوری که عدالت اجرا نشود، امنیت هرگز بوجود نخواهد آمد و تا امنیت نباشد حرف زدن از صلح هم مفهومی نخواهد داشت. هیچ کس در افغانستان خواهان جنگ نیست. نه مردم افغانستان و نه هم موسسه حقوق بشر و یا هیچ منبع دیگر ملی و بین المللی، ولی این بدان معنی نیست که اگر بازخواستی به عمل آید، شما جنابان فوراً تفنگ های تانرا ماشه کنید و به مردم چنگ و دندان نشان دهید. اگر جنایت نکرده اید، پس از بازخواست چرا وحشت دارید؟ مردم افغانستان در هر حال از حکومت موجوده انتظار بازخواست از جنایتکاران جنگی و جنگ سالاران وحشی را ندارند چون قرار معلوم همه سر و ته یک کرباس اید و اگر هم بازخواستی صورت گیرد و شما جنابان را به محاکمه ای بکشانند، به یقین که از در وارد محکمه خواهید شد و از دریچه بیرون خواهید رفت. ولی و اما! مردم حق شانرا خواهند گرفت، چه از جنایات شما ده سال بگذرد یا بیست سال و یا بیشتر از آن. مردم رنج دیده افغانستان شما جنابان را محکمه صحرایی خواهند کرد و اعدام صحرایی، البته اگر چانس آورده و قبل از آن به مرگ پرذلت به امراض مهلک سرطان و یا ایز نمرده باشید. چانس از سبب که اگر به چنگ مردم افتادید شاید یک گلوله را حرام تان کرده و شما را از این زندگی نگیت بار برهاند. یک مرگ آنی و بی درد. مردم افغانستان مانند شما ها نا مردانه عمل نخواهند کرد که گوش و بینی تانرا بریده و یا رقص مرده و رقص زنده بالای تان اجرا کنند. شما جناب چکری مدعی هستید که جنگ های تنظیمی شما از خارج بر شما تحمیل شده بود و دست قدرت های خارجی بود.

قبول میکنیم. شما ها همه نوکران قدرت های بیگانه بودید و گدی گک های لته یی بیگانه ها. در این هیچ جای شک نیست و خوب است که خود اعتراف کردید. اما اگر از حق نگذریم و واقع بین باشیم و نخواهیم به چشم مردم به اصطلاح خاک زده و الله و بلا را همه در گردن همسایه ها و قدرت های خارجی بیندازیم، زمانیکه افراد شما جنگ سالاران گوش و بینی هموطنان خود را میبریدند و یا به زن و دختر مردم نامردانه تجاوز میکردند و رقص مرده و زنده اجرا کرده و گوشت آدم به خورد مردم میدادند و شیش های موهای ژولیده و کثیف شانرا به زور تفنگ بالای مردم میفروختند و به زنان مرستون تجاوز میکردند و..... شما جناب کجا بودید؟ و آیا این جنایات و این وحشت و قساوت و بربریت هم کار خارجی ها بود و یا اینکه مشا ورین خارجی بالای سر تان موجود بودند و شما را مجبور به این وحشی گری ها و نامردی ها و نامردمی ها و نامسلمانی ها میکردند؟ جناب چکری قدمی به عقب برگشته و نظری به گذشته نچندان دور بیندازید. کجا شد تره کی؟ کجا شد امین؟ کجا شد ببرک؟ کجا شد نجیب؟ کجا شد مزاری؟ کجا شد خالص؟ کجا شد محمدی؟ کجا شد مسعود؟ کجا شد یعقوبی و..... ببینید در بهترین حالت یکی از اینها از یک کفن بیش نبردند و اکثراً همان یک کفن را هم نصیب نشدند. شما دو راه دارید یا از مردم معذرت خواسته و در صف مردم قرار گیرید و یا اینکه در صف دشمنان مردم منتظر محکمه صحرایی.

خون نا حق دست از دامان قاتل برداشت

دیده باشی لکه های دامن قصاب را

پایان
